



اکثر تفاسیر قرآن به قرآن، اجتهادی است/ آسیب شناسی تفسیرپژوهی

عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان با بیان اینکه اکثر تفاسیر قرآن به قرآن، اجتهادی است، گفت: برای همین در طبقه بندی اثری و اجتهادی دچار مشکل می شویم.

عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان با بیان اینکه اکثر تفاسیر قرآن به قرآن، اجتهادی است، گفت: برای همین در طبقه بندی اثری و اجتهادی دچار مشکل می شویم.

به گزارش خبرگزاری مهر، نخستین نشست از سلسله نشست‌های پژوهشی بخش مکتوب نمایشگاه بین‌المللی قرآن با حضور استادان این حوزه و علاقه‌مندان به مباحث تحلیلی برگزار شد.

در این نشست که با حضور دکتر محمدکاظم شاکر، عضو هیات علمی دانشگاه قم، دکتر محسن قاسم پور عضو هیات علمی دانشگاه کاشان و دکتر سید هدایت جلیلی عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران برگزار شد، حاضران به طرح مباحث اولیه تفسیرپژوهی پرداختند.

به گفته غلامرضا نوعی، دبیر بخش مکتوب نمایشگاه قرآن، برگزاری هفت نشست در دستور کار این بخش قرار دارد که نخستین نشست آن با عنوان «نشست تفسیرپژوهی» برگزار شد. نشست‌های دیگری با موضوعات معارف قرآن کریم، قرآن و کودک، ترجمه قرآن و نقد ترجمه‌های قرآن در شب‌های آینده برگزار خواهد شد. محورهای نخستین برنامه عبارت بودند از: ویژگی‌ها و شاخصه‌های تفسیرپژوهی در ایران و جهان اسلام، سنجش و ارزیابی روش شناختی و معرفت شناختی تفسیرپژوهی‌های موجود و آسیب شناسی تفسیرپژوهی‌های موجود و باید‌ها و ونبایدها.

نویا بودن فلسفه علم

دکتر محمدکاظم شاکر به عنوان آغاز کننده بحث گفت: بحث‌های مربوط به فلسفه علم در ایران و جهان اسلام چندان قوی نیست و نویا محسوب می‌شود. تفسیر پژوهی در واقع به سوالات فلسفه پاسخ می‌دهد و ما در این مرحله در گام‌های نخست هستیم.

وی افزود: یکی از ویژگی‌هایی که در این زمینه می‌توان نام برد، ایدئولوژیک بودن بحث‌های تفسیرپژوهی حول محور بحث‌های ایدئولوژیک است. در این حوزه می‌توان گفت تفسیر دو قسم است، تفسیر به رای و تفسیر بصری، ممدوح است و مضموم و آن را بر مبنای اعتقادات تعریف می‌کنند.

شاکر در ادامه سخنانش اظهارداشت: یکی از شاخصه‌های مهم تفصیل پژوهی که در ایران کمتر و در عربستان بیشتر است، این است که مدرسه عقلیه با محور ایدئولوژیک برخورد می‌کند. شاخصه دوم که در این دوره مشاهده می‌شود شاخصه کلی‌نگری است، تفسیرپژوهی‌هایی که انجام شده خیلی کلی است و از راه دور انجام شده، این نکته البته بد نیست اما ایراد کار آنجاست که فعالیت‌ها در همین جا متوقف شده است. این فعالیت‌ها شاید برای دوره‌ای خوب بوده اما اگر با علوم دیگر مقایسه شود متوجه می‌شویم که ما همراه با آنها پیش نرفته‌ایم

شاکر اضافه کرد: اگر تفسیرپژوهی، جزئی نگر شود حتما موفق تر خواهیم بود و حاصل کار ما بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم است بررسی کنیم یک موضوع خاص در طول تاریخ از نظر مفسران چه تغییراتی پیدا کرده، فعالیت مفسر خاصی تجزیه و تحلیل و نقد شود و راهکارها و تناقضاتش مشخص شود. موضوع پژوهی و سوره پژوهی یکی دیگر از موارد قابل بررسی است.

شاکر با اشاره به لزوم بررسی اینکه در یک سده یا یک عصر چه اتفاقی در حوزه تفسیر افتاده و در عصر انقلاب اسلامی چه موضوعاتی در تفسیر قرآن مطرح شده، اظهارکرد: این فعالیت‌ها بسیار مفید است و نگاه دانش پژوهان را تکامل می بخشد. یکی از کارکردهای تفسیرپژوهی، قرار گرفتن در خدمت تفسیر است.

شاکر در ادامه سخنانش تصریح کرد: تفسیرپژوهی از تفسیر شروع می‌شود. گزارش حاصل از این فعالیت تفسیر، داور و مقایسه می‌کند و حاصل این کار می‌تواند در خدمت تفاسیر بعدی باشد. مفسرهایی هستند که با خواندن آنچه درباره تفسیر انجام شده می‌توانند مشق جدید را اتخاذ کنند یا حداقل نقطه ضعف‌هایی که مفسرهای قدیمی داشتند را جبران کنند. در تفاسیر جدید در واقع ارتباط تفسیر پژوهی و تفسیر را خیلی مشاهده نمی‌کنیم و علت آن کلی بودن نگاه تفسیر پژوهان است.

عدم جامعیت در تفسیرپژوهی

دکتر محسن قاسم پور، عضو هیات علمی دانشگاه کاشان در ادامه این نشست گفت: دو شاخصه برای ویژگی‌های تفسیر پژوهی در دوران معاصر که در جایگاه خودش مهم است به مباحث قبلی اضافه می‌کنم که یکی از آنها عدم جامعیت است. کل نگر و عدم جامعیت که در مطالعات مستشرقین هم آن را داریم و می‌تواند از بعد آسیب شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

وی افزود: در بیشتر کتابها یک خلط و اختلاطی بین تفسیر باطنی و تفسیر عرفانی رخ داده و این کلی گویی و عدم مرزبندی نمونه و مصداق بارزی دارد مانند این که فردی تفسیر باطنی را مورد تفسیر و بررسی قرار می‌دهد در دوره‌های مختلف فراز و فرودهای مشخصی دارد و نمی‌شود این‌ها را با یک دید و یک نگاه دید. این مسئله نشان می‌دهد که هم آسیب ایدئولوژیک بودن و هم مشکل کل نگر در این زمینه وجود دارد.

طبقه بندی مطالعات قرآنی

دکتر سید هدایت جلیلی عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی تهران هم در این نشست با بیان اینکه بحث را از یک قدم عقبتر آغاز می‌کند گفت: مفهوم گسترده مطالعات قرآنی را در نظر می‌گیریم، مطالعات زیادی در این بخش شکل گرفته است و این متون احتیاج به طبقه بندی و ترتیب منطقی دارد، من معتقدم می‌توانیم ۵ متن را در نظر بگیریم. اولین متن خود قرآن است و به عنوان متن یک در نظر گرفته می‌شود. تقسیم بندی را براساس نسبتی که متون با آن پیدا می‌کنند انجام می‌دهیم. متن یک وقتی قرآن است، متن دوم مجموعه متونی است که در این ارتباط بحث می‌کند که متن یک را چگونه باید تفسیر کرد و مباحثی که ذیل این مجموعه قرار می‌گیرد.

وی افزود: متن دوم در واقع مباحثی است که می‌گوید چگونه قرآن را تفسیر کنیم؟ مباحثی مثل باید‌ها و نیاید‌ها و منابع تفسیر در این بخش مطرح می‌شود. تفسیرها ممکن است از نظر عده‌ای تعبیر یا ترجمه حساب شود. متن چهارم مجموعه‌ای است که می‌پردازد به پاسخ به این سوال که ما مسلمان‌ها چگونه قرآن را تفسیر کردیم این مباحث هم به نسبت سه متن گذشته جدید است و سابقه ندارد. متن پنجم در واقع به این سوال می‌پردازد که عده‌ای آمده‌اند و پوشش‌های از نوع ۴ مطرح کرده‌اند.

جلیلی اضافه کرد: لازم است بدانیم تفسیر پژوهی چه معنایی دارد؟ در زبان فارسی واژه تفسیر جزو مفاهیم چند وجهی است. وقتی حرف از تفسیر می‌زنیم از آن چند معنا ارائه می‌کنیم، به همین خاطر وقتی صحبت از تفسیرپژوهی می‌شود بسته به اینکه چه معنایی از آن مدنظر است، معانی مختلفی به وجود می‌آید.

ارزیابی روش شناختی و تفسیر پژوهی‌های موجود

دکتر محمدکاظم شاکر در بخش دیگری از نشست تفسیرپژوهی گفت: یکی از مشکلاتی که شاید باعث شده تا مقداری دچار پراکندگی در مباحث شویم، عدم شفافیت در اصطلاحات است. ما در تعریف روش، رویکرد، مبادی و ... دچار پراکندگی از نظر اصطلاحات هستیم. یکی از چالش‌هایی که در بررسی منابع داریم این است که کسانی در این زمینه کار کردند خیلی روشن فعالیت نکرده‌اند.

شاکر اضافه کرد: کتابهایی تحت عنوان مبانی تفسیر نوشته می‌شود، در گذشته این مبانی را در بحث‌های کلی خود مطرح می‌کردند که این یک نقیصه و کاستی اساسی است. در بین گذشتگان ما این

قصه در مقدمات تفاسیر پاسخ داده شده و منظور از روش را روشن می‌کردند، گرچه این موضوع در مقدمه نبود اما در لابه لای مباحث عنوان می‌شد. اما امروزه انتظارات خیلی بیشتر از این‌هاست. تمرین اصطلاحات نکته بسیار مهمی است و در ارزیابی‌ها باید مدنظر قرار بگیرد.

شاکر با بیان اینکه محققان در زمینه اصول تفسیر کتابهایی نوشته اند و اصول را از قواعد تفسیر جدا کرده اند گفت: در گذشته خلط مباحث باعث بروز اشکالات شده بود.

قاسم پور در ادامه این بحث گفت: درباره ارزیابی کارهایی که در حوزه تفسیر پژوهی انجام شده، مسئله خلط اصطلاحات است و ما تعریف جامعی در حوزه تفسیر پژوهی نداریم. در این بخش من ۴ طبقه معین کرده‌ام. یک بخش را به عنوان روش‌های تفسیری قرار دادم، بیشتر به ابزارهایی که مفسر استفاده می‌کند اشاره دارد. اصطلاحاتی در تفسیر بصری و اجتهادی هم مطرح می‌شود. تفسیر قرآن به قرآن و قرآن به روایت را در مقابل تفسیر اجتهادی قرار می‌دهند. تفسیر قرآن به قرآن بیش از ۹۰ درصد اجتهادی است.

قاسم پور افزود: اکثر تفاسیر قرآن به قرآن، اجتهادی است برای همین در این طبقه بندی اثری و اجتهادی دچار مشکل می‌شویم. روایاتی هستند که ناظر به تفسیر هستند یعنی خودشان می‌گویند این آیه تفسیرش چیست. اما روایاتی که شما خودتان آنها را پیدا می‌کنید و به عنوان مفسر قرار می‌دهید، آنها هم اثری هستند و اجتهادی نیستند. از لحاظ روش شناختی کانون اولیه تقسیم بندی‌ها و طبقه بندی‌ها باید جایگاه هر یک از شاخه‌های علم باشد. اما ما هنوز در مفاهیم اولیه و طبقه بندی دچار مشکل هستیم.

وی تأکید کرد: رویکردهای تفسیری تعریف شده اما روش مفسر شیعی می‌تواند عرفانی یا شهودی باشد و حتی مکتب تفسیری شیعی می‌تواند روش‌های مختلفی را به کار بگیرد. بخش رویکرد در مرحله سوم قرار می‌گیرد و بیانگر دغدغه‌هایی است که مفسر به نوعی آنها را از اجتماع یا از فکر و تخصص خودش گرفته و تفسیر سیاسی و تربیتی ارائه می‌دهد. بعد از مرحله رویکرد، مرحله سبک شروع می‌شود. این مرحله شامل سبک‌های بیانی است که با نظر مخاطب و بیشتر مربوط به جوانان است، سبک نگارش آن منظوم است و نثر غیر مسجع دارد.

شاکر در پاسخ به این سوال که آیا تفسیرپژوهی اسلامی همان مسیر تفسیرپژوهی‌های ادیان دیگر را رفته یا نه گفت: بیشتر تفسیرهای مسیحی بر محور تایپولوژی بوده که عهد عتیق را با عهد جدید تطبیق بدهند. نگاه یهودیان هم نگاهی تاریخی است. مفسران این زمینه نمی‌دانند که تاریخ تفسیری متون مقدس چگونه بوده و به طور خاص یکی از آنها را انتخاب کرده و مثلاً بر روی مطالعات اسلامی کار کرده و شاید ۱۰ درصد هم به طور تخصصی روی سایر کتاب‌ها آشنایی نداشته اند که از آن کدبرداری کنند.

آسیب شناسی تفسیرپژوهی

سید هدایت جلیلی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: کارکرد تفسیرپژوهی که در میان مسلمانان وجود دارد دو نوع است، کارکرد معرفتی و کارکرد غیرمعرفتی. تقسیم پژوهی‌ها معطوف است به نشان دادن تفسیر برتر. تفسیرپژوهی گاهی تنها تفسیر را گزارش می‌کند و گاهی پدیدارشناسی هم می‌کند. این نوع از تفسیر با توجه به دانشی که مفسر داشته و منطقه‌ای که مفسر در آن زندگی می‌کرده تغییر می‌کند، یک مفسر شیعه که در ایران و در قم درس خوانده و جایی دیگر نرفته با شیعه‌ای که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا درس خوانده تفسیرش فرق می‌کند. به این چراها تا آنجا که ممکن است باید پاسخ داده شود.

شاکر با اشاره به تعیین مرز تفسیر و داوری اظهار کرد: مفسر باید داوری را براساس منطق مشترک بگذارد، چنین داوری‌ها مشکلی برای تفسیرپژوه به وجود نمی‌آورد. مطلق داوری کردن در تفسیرپژوهی مشکلی نیست که قرار باشد مطرح شود البته اگر براساس منطق باشد. اساساً بحث نظریه تفصیلی است که ملاک‌ها را می‌توان مورد ارزیابی و آسیب شناسی قرار داد.

وی افزود: اختلافات در تفسیر امری است که هیچ کس آن را انکار نمی‌کند، تفسیر مفسرها متفاوت و مراد یکسان است، حال باید بپذیریم که قرائتها، مختلف است. اصل براین است که اختلافات را کم کنیم و پدیدار شناسی کنیم که اختلاف در تفسیر چیست و آن را ریشه یابی کنیم. بعضی اوقات اختلاف در بحث‌های ادبی است، کلام متحمل چند وجه است و اقتضای آن را دارد که دو صورت معنا شود. باید برویم دنبال قرینه‌هایی که یکی از این دو نوع را تایید و دیگری را نفی کند. باید برویم دنبال سیاق کلام و ببینیم سیاق کلام کدام نظر را تأیید می‌کند، سیاق کلام اگر بحر را مجازی دانست، صوت حقیقی است و اگر بحر را حقیقت دانست، صوت مجاز است. یکی از موارد که جایش در تفاسیر خالی است تفسیر ساختاری است.

شاکر در پایان سخنان‌ش تصریح کرد: بسیاری از اختلافات تفسیری ما ریشه در چنین نکاتی دارد، اختلافات را باید بپذیریم یا اینکه این اختلافات ریشه در جزئی نگرى ما دارد؟ جایی که اندیشه‌ها متفاوت است کاری نمی‌شود کرد اما اگر من شما را متقاعد کنم که از زاویه دید من به مطلب نگاه کنید پاسخ می‌گیرم، اما تا زمانی که من نتوانستم شما را قانع کنم شما از زاویه دید خودتان به مسئله نگاه می‌کنید بنابراین باید تفاوت‌ها را بپذیریم.